

کمون پاریس

کارل مارکس
مقدمه انگلس

مترجم:

محسن براری

ویراستار:

دکتر داور شیخاوندی



کاوش پرداز

سرشناسه:	مارکس، کارل ۱۸۱۸-۱۸۸۳ م. Karl Marks
عنوان و نام پدیدآور:	کمون پاریس / کارل مارکس؛ مقدمه انگلس؛ مترجم محسن جزایری؛ ویراستار داور شیخاوندی.
مشخصات نشر: تهران:	انتشارات کاوش پرداز، ۱۳۹۸
مشخصات ظاهری:	۱۲۰ ص. ۴۱/۵ × ۲۱/۵ س. م.
شابک:	۹۷۸-۶۰۰-۶۱۰۲-۳۰-۶
وضعیت فهرست نویسی:	فیا
یادداشت:	عنوان اصلی: On the Paris Commune
موضوع:	پاریس (فرانسه) -- تاریخ -- کمون، ۱۸۷۱ م.
موضوع:	Paris (France) -- History -- Commune,
زبان افزوده:	انگلس، فردریش، ۱۸۲۰-۱۸۹۵ م.
زبان افزوده:	Engels, Friedrich
زبان افزوده:	جزایری، محسن، ۱۳۲۰ - مترجم
زبان افزوده:	شیخاوندی، داور، ۱۳۱۲ - ویراستار
رده بندی کنگره:	۱۳۹۶ DC۳۱۶/م۲ک۸
رده بندی یوبی:	۹۴۴/۰۸۱
شماره ثبت کتابخانه ملی:	۵۰۸۴۳۴۴

کمون پاریس



نویسنده: کارل مارکس؛ مقدمه انگلس

مترجم: محسن جزایری

ویراستار: دکتر داور شیخاوندی

چاپ و صحافی: واژه

لیتوگرافی: طراوت

قیمت: ۲۲ هزار تومان

چاپ اول: ۱۳۹۷

ناشر: کاوش پرداز

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۱۰۲-۳۰-۶

همه حقوق این اثر به نشر کاوش پرداز تعلق دارد و هر نوع استفاده از این کتاب اعم از فتوکپی، بازنویسی، خلاصه نویسی، اسکن و ذخیره ی کامپیوتری و یا تکثیر به هر روشی، کلاً و جزئاً ممنوع و قابل پیگرد قانونی است.

تهران، خیابان انقلاب، روبروی در اصلی دانشگاه تهران، ابتدای خیابان فخر رازی، بن بست نیک پور، پلاک ۷

تلفن: ۶۶۴۸۴۹۵۷ - ۶۶۴۹۹۵۹۱

فهرست

پیش گفتا (۵)

مقدمه مترجم (۳)

بخش نخست (۱۵)

کارل مارکس (۲۸)

"جنگ داخلی فرانسه" (۱۵)

فردریک انگلس. مقدمه (۱۵)

کارل مارکس. نخستین بیانیه‌ی مجمع عمومی اتحادیه‌ی جهانی مردان کارگر در باب جنگ فرانسه پروس (۲۸)

کارل مارکس. دومین بیانیه‌ی مجمع عمومی اتحادیه‌ی جهانی مردان کارگر در باب جنگ فرانسه پروس (۳۳)

کارل مارکس. "جنگ فرانسه - پروس" (۳۳)

II (۵۳)

III (۶۱)

VI (۷۷)

یادداشت‌ها (۹۱)

I (۸۹)

II (۸۹)

پانویس‌ها (۶۷)

پیش گفتار

روز ۱۸ مارس ۱۸۷۱، کارگران پاریس حاکمان بورژوازی را از شهر بیرون راندند و خود قدرت را در دست گرفتند، دستاورد درخشانی که هیچ گاه فراموش نخواهد شد. ده روز بعد، در ۲۸ مارس ۱۸۷۱، نخستین دولت کارگری، "کمون" پاریس را تشکیل دادند. پدیده‌ی جدیدی که در آن حاکمیت به دست مردم و برای مردم بود و تمامی اقدامات جامعه‌ی و سیاسی آن در راستای نفع کارگران بود، طبقه‌ی کارگر سرآمد همگان. "کمون" هفتاد و دو روز زندگی کرد و بعد از مقاومتی قهرمانانه، زیر ضربات نیروهای ارتجاعی داخلی و خارجی شکست خورد، اما تجربه و آموزه‌های آن تأثیر گسترده‌ای بر نهضت‌های انقلابی بعد از خود داشت. لنین می‌گوید: "کمون به کارگران اروپایی پایداری منسجم در راستای اهداف انقلاب سوسیالیستی را آموخت". (مجموعه‌ی آثار، جلد ۱۳ ص ۴۷۷). وی بعدها گفت "شلیک رعد آسمانی تپ‌ها در پاریس عقب افتاده‌ترین بخش‌های کارگران را از خواب عمیق‌شان بیدار کرد و در همه‌جا سبب رشد شتابان و تبلیغ در جهت انقلاب سوسیالیستی شد" (ج ۱۷، ص ۱۴۲).

انقلاب پاریس در سراسر جهان بازتاب پرشور و حرکت مقتدرانه‌ی یک رچه‌ای را سبب شد. در بهار و تابستان ۱۸۷۱ کارگران آلمان، بلژیک، انگلیس، ایالات سحده‌ی آمریکا و کشورهای دیگر گردهمایی‌ها و تظاهرات انبوهی را در هواداری از "کمون"، اعتراض به شرارت سرکوبگران و دفاع از پناهندگان، به راه انداختند. این نهضت را نخستین سازمان انقلابی توده‌ای کارگران جهان، "انجمن جهانی کارگران مرد"، بین‌الملل نخست، به رهبری کارل مارکس و فردریک انگلس، بنیان‌گذاران "کمون" یسم علمی، هدایت می‌کردند.

مارکس و انگلس از نزدیک تحولات پاریس را زیر نظر داشتند، با رهبران "کمون"

پیوندهای صمیمانه‌ای برقرار کرده بودند و به هر صورت ممکن، به ایشان کمک می‌کردند. وقتی "کمون" شکست خورد، مبارزه‌ای پی‌گیر را برای دفاع و کمک به آن‌هایی که به خارج هزیمت کرده بودند تدارک دیدند.

مارکس و انگلس در نوشته‌ها و نامه‌هایشان، روی داده‌های مرتبط با "کمون پاریس" را به تفصیل تجزیه و تحلیل کردند و درون‌مایه‌ی آن را در نخستین مکتوب‌های نوشته‌شده -راش باب، تشریح و تبیین نمودند.

این مجموعه شامل ادبی از آثار مهم مارکس و انگلس در باب "کمون پاریس" است. یکی از اساسی‌ترین آثار "کمون" بسم علمی در باب دولت، انقلاب و دیکتاتوری کارگری، "جنگ داخلی فرانسه" است که در این مجموعه آمده است. "جنگ داخلی فرانسه" بعد از صدور نخستین و دومین بیانیه‌ی بین‌الملل نخست، در ۱۸۷۰ در باب جنگ بین فرانسه و پروس، نوشته شد. هر دو بیانیه را مارکس، در تبیین و تشریح نظریات مارکسیستی طبقه‌ی کارگر، در باب نظامی‌گری و جنگ نوشت. هر دو سند نشان‌دهنده‌ی مبارزه‌ی بی‌امان مارکس و انگلس علیه جنگ قدرت و کارکرد اصول جهانی کارگری است.

بیانیه‌ی نخست ترفندهای ارتجاعی حاکمیت سلطنتی پروس و بناپارت فرانسوی، که جنگی را در راستای منافع خودخواهانه سلسله پادشاه خود به راه انداخته بودند، افشا می‌کند. مارکس از این واقعیت که در میانه‌ی آن جو بین‌ستایی افراطی و پرخاش‌گری جنون‌آمیز، کارگران آلمان و فرانسه پیام‌های صلح مودت رد و بدل کرده بودند، به گرمی استقبال می‌کند، و طبقه‌ی کارگر را به همکاری گرده‌تری در سطح بین‌المللی ترغیب می‌نماید. وی می‌نویسد: "... برعکس جوامع قدیم، با آن بدبختی‌های اقتصادی و جنون سیاسی، جامعه‌ی جدیدی پدید می‌آید که قانون جهانی‌اش صلح است زیرا که حاکمان در همه‌جا همانند خواهند بود".

بیانیه‌ی دوم زمانی نوشته شد که ماهیت جنگ دست‌خوش تغییر شده بود - بعد از سقوط امپراتوری دوم، فرانسه برای استقلال، و آلمان که در مرحله‌ی نخست، برای

دستیابی به وحدت کشور خود می‌جنگید، جنگ را به منظور کشورگشایی و ضمیمه کردن بخشی از خاک فرانسه به خود ادامه می‌داد. مارکس بحث می‌کند که به لحاظ تاریخی و راهبردی خواست انضمام آلتزاس و لورین به آلمان غیر قابل دفاع است و بار دیگر بر نقش جهانی طبقه‌ی کارگر که مقاومت در مقابل سیاست‌های تجاوزکارانه‌ی بورژوازی است، تأکید می‌ورزد و متذکر می‌شود که در غیر این صورت "جنگ هولناک فعلی چیزی نخواهد بود مگر تلاطمی مناقشات جهانی خونین‌تری که تنها دستور آن در تمامی ممالک جهان تسلط دیگرباره‌ی خداوندان جنگ، خداوندان زمین و سرمایه بر طبقه‌ی کارگر خواهد بود" از آن هنگام، تاریخ گواه صحت پیش‌گویی‌های وی بوده است.

آنچه مارکس از مشخصه‌های وضعیت فرانسه و وظایف کارگران فرانسوی در بیانیه‌ی دوم به است. می‌دهد، برای درک رویدادهای انقلابی بعدی در آن کشور و تاکتیک‌های بین‌المللی در آن زمان، لازم است. با توجه به این واقعیت که ارتجاع قدرتمند بود و خطر برگشت سلطنت وجود داشت، وی معتقد بود که سعی در خیزش انقلابی دیگر از طرف کارگران فرانسوی "سبب بزرگی" خواهد بود و ایشان را به استفاده از آزادی‌هایی که در دولت جمهوری به دست آورده بودند، در جهت استحکام سازمان‌های طبقه‌شان، تشویق می‌کرد. لنیز می‌نویسد: "در سخنرانی درخشان ۹ سپتامبر ۱۸۷۰ در گردهمایی "بین‌الملل"، مارکس کارگران فرانسوی را از خیزش بی‌موقع بر حذر داشت، اما وقتی در مقابل آن قرار گرفت (انقلاب ۱۸۷۱) با تمام قوا از ابتکار عمل انقلابی توده‌ها که "چرخ گردون" را به زیر می‌کشیدند، پشتیبان کرد."

سخنرانی در مجمع عمومی، "جنگ داخلی فرانسه"، مارکس در جریان نبرد خونین "کمون" و لشکریان "ورسای" و در روزهای پایانی آن نخستین سال‌های بعد انگلس به یاد می‌آورد که "در ۲۸ می، آخرین مدافعین "کمون" در منطقه‌های بلویل تسلیم نیروهای برتر "ورسای" می‌شدند، فقط دو روز بعد، در ۳۰ می، مارکس اثری را در مجمع عمومی قرائت کرد که در آن به اهمیت "کمون پاریس" به اختصار، اما قدرتمند و کوبنده، و مهم‌تر از همه با چنان صداقتی پرداخته بود که در تمام آثار بی‌نهایت زیادی که در این باره نوشته شده، بی‌مانند است."

"جنگ داخلی فرانسه" از دید انگلس "نمونه‌های فوق‌العاده‌ای از استعداد نویسنده در دریافت روشن خصیصه‌ها، اهمیت و نتایج محتوم رویدادهای بزرگ تاریخی در زمانی

بود که آن رویدادها در مقابل چشمان ما واقع می‌شدند و یا آنکه کوتاه مدتی پیش به‌انجام رسیده بودند. این توان خارق‌العاده برای بار نخست در "همجدهمین زمستان لویی بناپارت" به اثبات رسیده بود.

مارکس شرایط تاریخی و دلایل شکل‌گیری "کمون پاریس" را تجزیه و تحلیل کرد و "خیانت بورژوازی ملی" فرانسه را که برای سرکوب "دشمن خانگی" - کارگران انقلابی - تسلیم اشغال‌گران خارجی شده بود، افشا کرد.

مارکس در بررسی تجربیهی "کمون" یادآور می‌شود که نتیجه‌گیری‌اش در همجدهمین زمستان لویی ناپلئون مبنی بر آن که انقلاب سوسیالیستی می‌بایستی تمامی بنیادهای بورژوازی را از بیخ‌وبن نابود کرده و دولت جدیدی را پی‌ریزی کند، اینک در عمل به جوت رسیده است. لنین می‌گوید این پی‌آمد "تکته‌ی اساسی و بنیادی نظریه‌ی مارکس" است. در "جنگ داخلی فرانسه" مارکس نشان می‌دهد که "کمون" نمود دولت در دیکتاتوری پرولتاریا است: "قلب سیاسی بالاخره ابداع‌شده‌ای که در آن کارگران به آزادی اقتصادی می‌رسند".

مارکس به‌دقت اقدامات "کمون" را مطالعه کرد و نمونه‌های ملموسی را ارائه کرد که نشان می‌داد "کمون" در واقع دولت طبقه‌ی کارگر بوده و به این ترتیب، ادعای کسانی را که انقلابیون پاریس "فهرمانان آزادی‌های محلی و فدرالیسم منطقه‌ای معرفی کرده بودند، باطل نمود. مارکس تأکید کرد که "کمون" سبب وحدت بنیادین ملی شده و لزوم ایجاد یک دولت مرکزی تحت رهبری دیکتاتوری پرولتاریا را، یادآوری کرد.

مارکس پس از بررسی دقیق روی دادهای انقلاب پاریس و همچنین انبوه حقایق منسجم به چنین نتایجی دست یافت. لنین می‌نویسد: "در آثار مارکس نشانی از یک سیستم خیالی و غیر واقعی که وی را ابداع‌کننده‌ی جامعه‌ای "بی‌اید" معرفی کند وجود ندارد. وی زایش یک جامعه‌ی نواز کهنه و راه‌های گذار از پیشین به پسین را به عنوان یک روند طبیعی تاریخی، مطالعه کرد. وی تجربه‌ی واقعی یک نهضت توده‌ای کارگری را بررسی و جدوجهد داشت که از آن، آموزه‌های عملی استخراج کند." ج ۵ ص ۴۲۵ مجموعه آثار

مارکس مشکل متحدین کارگران در انقلاب را با وسواس مطالعه کرد. وی اقدامات سیاسی، جامعه‌ی و اسناد سیاست‌گذاری "کمون" را تجزیه و تحلیل نمود و ثابت کرد

که دولت کارگری نه تنها منافع طبقه‌ی کارگر بلکه منافع روستاییان و هم‌چنین خرده‌بورژوازی شهری را نیز در اقدامات خود، در نظر داشته است.

مارکس این آثار را باهدف اظهارشده‌ی تشریح و تبیین اصول و ماهیت فعالیت‌های "کمون" و اهمیت مبارزه‌ی قهرمانانه‌ی اعضای آن، برای کارگران تمام کشورهای جهان نوشت. یکی از نشانه‌های موفقیت درخشان وی گستردگی خوانندگان آن است؛ فقط در سال ۱۸۷۱ حدوداً سی چاپ به ۱۱ زبان از این متن منتشر شد. انتشار آن در کشورهای پیشرفته به طبقه‌ی کارگر کمک کرد تا رویدادهای پاریس را از یک زاویه ببیند.

مارکس از سهل‌انگاری و قصور "کمون" در اتخاذ یک موضع محکم در مقابل ضدانقلاب، انتقاد کرد و اظهار داشت که قدرت کارگری می‌باید نیرومند بوده، به‌خوبی سازمان یابد و از تمام امکانات برای سرکوب ضدانقلاب بهره گیرد. وی بر نیاز به اقتدار هر چه بیشتر دولت کارگری، به هر وسیله‌ی ممکن تأکید نمود و اخطار کرد که حتی بعد از استقرار حاکمیت دائمی کارگر در سراسر کشور، "طغیان گه‌گاه برده‌داران" آن را تهدید خواهد کرد.

لنین از پیامدهای اظهارشده‌ی مارکس، به عنوان یک الگوی دولت کارگری، استفاده‌ای به کمال برد و با شرح و بسط هر چه بیشتر نظریه‌ی مارکسیستی دولت و دیکتاتوری کارگری و توجه به دوران ولایت بورژوازیست‌های امپریالیستی، شکل شورایی دولت کارگری و دگرگون‌سازی هم‌هنگ و یکپارچه‌ی شوراهای کارگری را به عنوان دولت دیکتاتوری کارگری، ابداع کرد. لنین بر این عقیده‌ی مارکس که تشکیلات دولت برافاده‌بایستی از بیخ و بن از بین برود و دولتی به سبک دولت "کمون پاریس" جایگزین آن شود، تأکید گذارد؛ اگرچه این عقیده از سوی فرصت‌طلبان و تجدیدنظرطلبان بین‌الملل دوم مورد حمله قرار گرفت و تحریف و نادیده گرفته شد. در دولت و انقلاب لنین دلایل این حملات را نشان داد "این عقیده‌ی مارکس رکن نظریه‌ی انقلابی وی در باب دولت است".

در ۱۸۹۱، انگلس در نسخه‌ی ویژه‌ی بی از "جنگ داخلی فرانسه" (۱) که به مناسبت بیستمین سالگرد "کمون" منتشر کرد دو خطابه در باب جنگ فرانسه و پروس و مقدمه‌ای را که برای آن چاپ نوشته بود و در بخش نخست این مجموعه می‌آیند، به آن افزود. در این مقدمه انگلس اهمیت دوره‌ی تاریخ‌ساز "کمون پاریس" و سهم عظیم مارکس در نظریه‌ی دولت، انقلاب سوسیالیستی و دیکتاتوری کارگری را با جمع‌بندی "کمون

پاریس" نشان می‌دهد. انگلس شاخص‌های کلاسیک فعالیت‌های "کمون" را که مارکس بیان کرده بود شرح و بسط داد و انتقادهای انجام‌شده بر اشتباهات "بلانکویست" ها و "پرودهونیست" ها را باز کرد تا بر نیاز به یک حزب به بلوغ رسیده‌ی انقلابی کارگری برای رهبری دولت کارگری، تاکید بگذارد. وی، به گفته‌ی لنین "با وضوح خارق‌العاده‌ای آموزه‌های "کمون پاریس" را باز نمود و ضمن گسترش آن، تجربیات به دست آمده از مبارزات طبقه‌ی کارگر را به دو دهه‌ی بعد تعمیم داد". انگلس به "تدیس خرافه‌گونه‌ی دولت" که در آلمان، نه فقط در میان بورژوازی، بلکه در بین موافقان مردم سوسیال دموکرات نیز، بسیار شایع بود، به شدت حمله کرد. وی اهمیت نتیجه‌گیری مارکس را مبنی بر آن که سازمان دولت بورژوازی به‌هرحال غیر عادلانه است و باید از بین برود، نشان داده اضافه می‌کند: "... دولت چیزی جز وسیله‌ی ستم یک طبقه به طبقه دیگر نیست و این مسئله همان قدر در یک جمهوری دموکراتیک صادق است که در یک ستم پادشاهی". انگلس، به عنوان شاهدی بر گفته‌ی خویش دولت جمهوری دوحزبی آمریکا را مثال می‌آورد، جایی که "دو دسته اراذل بورس‌باز سیاسی که به ترتیب قدرت دولتی را در اختیار می‌گیرند و از آن به‌وسیله‌ی فاسدترین عوامل برای نیل به فاسدترین اهداف استفاده می‌کنند".

انگلس نظریه‌ی اصلاح‌طلبان مبنی بر استفاده از دولت بورژوازی برای تبدیل صلح‌آمیز سرمایه‌داری به سوسیالیسم را رد کرده، "دیکتاتوری پرولتاریا" و تشکیل یک دولت کارگری نو را، که عمل کرد آن "تدریجاً حاکم بسیار متفاوت باشد، تأیید می‌کند. وی خطاب به عوامل فرصت طلب سوسیالیست، دموکرات می‌گوید: "اخیراً فرهنگ‌ستیزان سوسیال دموکرات از اصطلاح "دیکتاتوری پرولتاریا"، از ترس به خود می‌لرزند. بسیار خوب آقایان، می‌خواهید بدانید این دیکتاتوری چگونه است؟ به "کمون پاریس نگاه کنید آن حکومت دیکتاتوری پرولتاریا بود" و این ادامه می‌دهد:

وی با بحث در مورد نظریه‌ی تحلیل رفتن دولت "کمون"یستی با مارکس روی آن کار کرده بود، و تاکید بر آن که طبقه‌ی کارگر تمایلی به تشکیل دیکتاتوری برای همیشه ندارد و این که دولت سوسیالیستی جدید فقط "تازمان برآمدن نسلی که در شرایط سوسیالیستی جدید پرورش یافته و قدرت بیرون انداختن قدرت دولت را به زیاده‌دان دارد، حاکمیت را در دست خواهد داشت" ادامه می‌دهد.

مارکس و انگلس در مقدمه‌ای که برای چاپ به زبان آلمانی ۱۸۷۲ "مانیفست

کمونیسم" نوشتند و همچنین در "قطعنامه‌ی گردهم‌آیی به مناسبت بزرگداشت کمون پاریس" اعلام داشتند که "کمون پاریس" - حتی اگر فقط برای مدتی کوتاه - به معنای افتادن قدرت به دست طبقه‌ی کارگر بوده است، از نظر ایشان "لحظه‌ی پرشکوه تحلیف در ۱۸ مارس ۱۸۷۱ همانا آغاز انقلاب عظیم جامعه‌ی است که انسان را از حاکمیت طبقاتی رهایی خواهد بخشید".

بر اساس تجربه‌ی "کمون"، مارکس و انگلس به آمارشیست‌ها امان ندادند و بحث نیاز به یک حزب سیاسی کارگری را پیش کشیدند. نشانی از این کشمکش در سخنرانی انگلس "اقام سیاست طبقه‌ی کارگر" در گرد همایی بین‌الملل نخست در لندن، در ۲۱ سپتامبر ۱۸۷۱، اساس مارکس خود وی، منعکس است.

"کمون" به مبره‌ی شدیدی که در بین‌الملل نخست در جریان بود، شتاب بخشید. رهبران فرصت‌طلب نهضت کارگری از وسعت انقلاب پرولتری پاریس به وحشت افتادند و از تأیید اقدامات مطلق "کمون" در جهت تشکیل دیکتاتوری پرولتاریا و هدایت جامعه به راستای انقلابی سر باز زدند. تعدادی از اصلاح‌طلبان (مانند تولین) آشکارا با نهضت کارگری به مخالفت برخاستند. برخی دیگر، مانند رهبران دست راستی سندیکای کارگری انگلس، ادگار و لوکرافت، با بیانیه‌ی "جنگ داخلی فرانسه" و در واقع با نتیجه‌گیری‌های انقلابی آن، مخالفت کردند. از مرتدین، در رساله‌های متعددی که مارکس و انگلس نوشته و مجمع عمومی آن‌ها را صادر کرد به شدت انتقاد شد.

بهار و تابستان ۱۸۷۱ همچنین شاهد دروغ‌پردازی‌ها و سیاست پراکنی‌های بی‌سابقه‌ی رسانه‌های سرمایه‌داری علیه بین‌الملل و "کمون پاریس" بود. دموکرات‌های بورژوا (مانند هولیوک، بردلا و مازینی) و نشریه‌ی ارتجاعی لندن، تایمز، هم به انسان‌پوستان در ۳ ژوئیه ۱۸۷۱ مارکس طی مصاحبه‌ای با روزنامه‌ی آمریکایی "نیو یورک تایمز" تمامی این اتهامات را رد کرد. وی اظهار نمود "قیام پاریس را کارگران پاریس به انجام رساندند. تواناترین این کارگران لزوماً می‌باید رهبران ایشان باشند: چنین بود که این "تواناترین" اعضای انجمن جهانی نیز بودند.

تمام مندرجات این مجموعه از اصل نوشته‌ها و یا چاپ نخست اقتباس شده‌اند.